در میزگرد طرح تحول اقتصادی بررسی شد

مالیات؛ ابزار نظام درآمدی یا مدیریتی؟

دومین میزگرد بررسی تحولات اقتصادی در روزنامه ایران به موضوع مالیات ها اختصاص یافت. دکتر علی اکبر عرب مازار رئیس سازمان امور مالیاتی، دکتر لطفعلی بخشی عضو کمیته فرعی کارگروه تحولات اقتصادی و دکتر نعمت فلیحی استاد دانشگاه در این میزگرد از زوایای مختلف مباحث مطرح شده در میزگرد مورد اتفاق نظر قرار دادند. آنچه بین شرکت کنندگان در میزگرد مورد اتفاق نظر مالیاتی به واسطه ایجاد تغییرات بنیادی در نظام اقتصادی کشور بود. البته با این تفاوت که نقطه آغازین اصلاحات اقتصادی در مورد مالیات ها از منظر شرکت کنندگان متفاوت بود. شناسایی فعالان اقتصادی، اصلاح قوانین مالیاتی و بازنگری در فرآیند وصول مالیات ها از جمله مواردی بود که حاضرین نسبت به آن تاکید فراوان داشتند.

با این حال آنچه که به جد دولت نهم به دنبال آن است و تمام تلاش خود را برای تحقق آن گذاشته است، ایجاد عدالت اقتصادی با اجرای نظام عادلانه مالیات ها، بر همین اساس نیز به مالیات به عنوان ابزاری مؤثر جهت باز توزیع درآمدها و برقراری نظامی بر مبنای عدالت اقتصادی توجه می کند. موضوعی که بشدت جامعه ایرانی در پی آن است و هنوز پس از گذشت سالیان طولانی هنوز محقق نشده است. این میزگرد در پی آن است به چالش های موجود در نظام مالیاتی بپردازد و نقطه آغازین تحول مالیاتی را بیابد.

دکتر علی اکبر عرب مازار رئیس سازمان امور مالیاتی

دکتر نعمت فلیحی رئیس دانشکده اقتصاد و حسابداری تهران مرکز

دکتر لطفعلی بخشی عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

[سید علی امامی/ مهدی مهرپور]

■ من بحث میزگرد را با این سؤال از آقای دکتر عرب مازار آغاز می کنم که به عقیده ایشان چه کاستی هایی در نظام مالیاتی وجود داشته که موجب شده مالیات ها در صدر طرح تحول اقتصادی قرار گیرد و آقای رئیس جمهور این قدر به این موضوع حساسیت نشان دهند؟

اصولاً نظام مالیاتی به عنوان یک اهرم سیاستگذاری و مدیریت اقتصاد در این طرح مورد توجه بود و اگر هم ریاست جمهوری راجع به کاستی ها گفته اند نه به سبب این که این کاستی ها باید رفع شود بلکه نظام باید اصلاح شود تا بتواند در جهت اهداف دولت و برنامه های کلان اقتصاد کشور و در جهت پیاده سازی سیاست هایی که در سند چشم انداز و سیاست های اصل ۴۴ بیان شده به عنوان یک ابزار کارآمد در اختیار دولت قرار بگیرد. لذا همانند بقیه مطالبی که در خود برنامه تحول است. نظام مالیاتی و نظام بانکی تقریباً به عنوان نهادهای اصلی مورد توجه ریاست محترم جمهور بودند. البته در مورد بحث کاستی های نظام مالیاتی باید عنوان کنم که نظام مالیاتی ما یک نظام سنتی بوده است. اگر چه تحولاتی طول سال های گذشته در آن رخ داده ولی به صورتی که بتواند با استانداردهای روز عمل کند مسلماً دارای نواقصی است و در نتیجه چند محور برای اصلاح نظام مالیاتی در نظر گرفته شد که یکی بحث طرح جامع مالیاتی کشور و یکی هم بحث مالیات بر ارزش افزوده است.

این ایرادات از نظر برنامه ریزان و مدیران کشور پنهان نبوده و حتی در برنامه سوم که زیرساخت ها مطرح شد، اولین موضوعی که به آن پرداختند نظام مالیاتی بود و قرار شد که این نظام یک تغییر ساختاری اساسی در خودش ببیند تا بتواند به عنوان یک ابزار کارآمد مورد استفاده قرار بگیرد.

خوشبختانه ریاست محترم جمهور به این مسئله کاملاً واقف بودند و اشاره داشتند که تا این نظام مالیاتی به عنوان یکی از محورها اصلاح نشود عملاً سیاست های اقتصادی و مدیریت دولت بر اقتصاد دچار مشکل است.

آن چیزی که در نظام مالیاتی دنیا و نوین مطرح است این است که فعالیت های فعالان اقتصادی در جاهای مختلف مورد نظارت است و اطلاعات کنترلی می شود و در یک جا جمع می شود. بنابراین من به عنوان فعال اقتصادی وقتی به حوزه مالیاتی مراجعه می کنم به دلیل این که می دانم فعالیت هایم در حال رصد شدن است خلاف واقع حرف نمی زنم. لذا هم اکنون بیش از ۹۰ ـ ۸۰ درصد افراد اظهار صحیح می کنند و کار خیلی سهل پیش می رود، البته فرار مالیاتی در همه جای دنیا هست اما در ایران نظام مالیاتی با مردم خیلی درگیر است. ممیزسالاری، تشخیص علی الرأس و ... که بعضاً مؤدیان به حق هم تصمیمات ممیزها را مورد اعتراض قرار می دادند و این امر هم طبیعی بود یعنی به صورت طبیعی ما راهی به غیر از این نداشتیم. چون اگر مؤدی مالیاتی اظهار خودش را نکند ما چه کار می توانستیم کنیم. ممیز چه کار می تواند بکند؟ باز ممیز باید یک قرینه ای را انتخاب کند.

لذا نظام مالیاتی ما از لحاظ داشتن سیستم های اطلاعاتی، از نظر شناسایی فعالان اقتصادی، از نظر نگاهش به حرکت پول و کالا در کشور، با کاستی هایی روبرو بود. بنابراین در همین طرح تحول نظام مالیاتی کشور و پیاده سازی مالیات بر ارزش افزوده عملاً به دنبال این کاستی ها هستیم تا بتوانند یک نظام مالیاتی مدرن ایجاد کند. با این حال آنچه در این امر تسریع ایجاد می کند وسریع تر مسئله نظام مالیاتی را حل می کند همین طرح تحول اقتصادی است.

■ البته این طرح تحول اقتصادی چیز جدیدی نبود چون تمام چیزهایی که شما می فرمایید از قبل شناسایی شده و برای آن هم راه حل در نظر گرفتند.

دکتر عرب مازار: بینید تحولات نظام مالیاتی جزو نهادهایی بوده که در برنامه سوم و چهارم مورد توجه قرار گرفته و برایش برنامه تصویب شد اما عملاً اجرا نشد. اجرای واقعی این کارها، یعنی حتی راه افتادن قانون مالیات بر ارزش افزوده، که درسال ۷۹ به مجلس داده شده بود در دولت نهم با سرعت پیگیری شد تا تصویب شود.

با همین طرح جامعی که ما دنبالش هستیم. کار چندانی، از قبل برایش انجام نداده بودند. همانطور که هدفمند کردن یارانه ها خیلی وقت ها مطرح شده بود، چیز جدیدی نبود، اما به هر صورت دولت نهم این را به عنوان یک محور اساسی گرفته و تمام هم و غم خود را گذاشته تا آن را اجرا کند. بحث مالیات، با توجه به تجربه خود من که در نظام مالیاتی هستم؛ کمتر دولتی، این قدر اهمیت به مسئله مالیات داده است و حتی در بالاترین سطوح در مورد آن صحبت می کند، حمایت می کند و دنبال اصلاح آن است. چون نظام مالیاتی یک نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی است یک چیز سلبی نیست که بگوییم مثلاً با توزیع یک کالایی مشکل حل می شود.

■ آقای دکتر بخشی فکر می کنید ما در نظام مالیاتی بیشتر از خلأ ظرفیت های قانونی رنج می بریم یا از مدیریت و اجرا؟

دکتر بخشی: فکر می کنم اگر اینگونه موضوع را طرح کنیم بهتر می شود به سؤال شما پاسخ داد. هدف دولت در اجرای نظام مالیاتی کسب درآمد و هدایت اقتصادی است.

متأسفانه ما در هر دو هدف نظام مالیاتی خیلی موفق نبودیم اگر چه باید اقرار کرد که در ۵ـ۴ سال اخیر در کسب درآمد، نظام مالیاتی ما خیلی خیلی نسبت به قبل پیشرفت داشته است. ولی می شود ادعا کرد که ما در بحث هدایت اقتصادی نتوانستیم از ابزار مالیات استفاده کنیم.

البته نشانه هایش هست. به عنوان مثال مناطق محروم، بخش کشاورزی و بسیاری تولیدات از مالیات معاف است. این ها در واقع همان بخشی است که می توان از نظام مالیاتی برای هدایت اقتصادی کمک گرفت. ولی حقیقت اینجاست که در هدایت اقتصاد موفق نبوده است. به عنوان مثال عرض می کنم الان تمرکز اصلی در سیستم مالیاتی ما، مالیات بر شرکت هاست که به حق هم است. ولی حقیقت اینجاست که همه قبول داریم که در بخش خدمات که سود تقریباً خیلی آسان و ساده ای را می برد تقریباً از مالیات به آن معنی که باید دریافت شود وجهی اخذ نمی شود و از طرف دیگر اگر ما دقت کنیم به جهت همین به اصطلاح عدم جهت گیری های نظام مالیاتی برای هدایت اقتصاد، می بینیم که قیمت مسکن، ظرف یک سال دو برابر می شود. اگر ما آن دیدگاه هدایت اقتصاد را مد نظر می گرفتیم و از سیستم نقل و انتقال ملک یک مالیات مناسب می گرفتیم مطمئناً بخش مسکن ما با این فاجعه روبه رو نمی شد.

■ اتفاقاً عنوان ما هم ، همین است. این فاجعه هایی که پیش آمده، از نبود قانون است یا درست اجرا نکردن آن؟

دکتر بخشی: تقریباً ما در این مورد قانون نداشتیم. مالیات نقل و انتقال املاکمان صفر است، عددی نیست، من به عنوان مثال می گویم اگر شما یک خانه خریده باشید حتماً متوجه می شوید که وقتی خانه را خریدید مثلاً ۴۰ میلیون تومان در محضر سند می نویسند ۷۰۰ هزار

تحولات نظام مالیاتی در برنامه سوم و چهارم مورد توجه قرار گرفته و برایش برنامه تصویب شد اما عملاً اجرا نشد

تومان ، اداره مالیات برمبنای ۷۰۰ هزار تومان از فروشنده مالیات می گیرد ، یعنی هیچی!

یعنی در واقع یک شصتم قیمت را نوشتند. ببینید در کشورهای غربی اصلاً درباب مالیات بر نقل و انتقال بخصوص برای کسانی که این خانه را برای سوداگری خریدند اینه به برای مصرف، نرخ خیلی درشت است اما در ایران، تقریباً هیچ فرقی نمی کند کسی خانه را استفاده کرده باشد بعد از ۱۰ سال بفروشد یا کسی بعد از ۳ ماه بفروشد تقریباً مالیاتش یکی است و باز هم مبلغ آن مالیات هم بسیار جزئی است. به همین دلیل میزان مالیاتی که دولت می گیرد عدد چندان قابل توجهی نیست.

یعنی دولت ما آن ابزار حاکمیتی اش حتماً باید دراین زمینه، یک دیدگاه خیلی دقیق داشته باشد و آن دیدگاه را اجرایی کند. آن دیدگاه اجرایی می تواند به اقتصاد ما جهت دهد و متأسفانه من این بخش را می بینم که به دلیل پیچیدگی یا به دلیل این که کل نظام مالیاتی خیلی عقب مانده بوده، ولی این دیدگاه خیلی مورد توجه قرار نگرفته است.

دکتر عرب مازار: اگر اجازه دهید توضیحی در مورد مطلب آقای دکتر بخشی بدهم. اتفاقاً شاخص ترین مطلبی که در طرح تحول مطرح است استفاده از نظام مالیاتی به عنوان ابزار مدیریتی است نه درآمدی. معمولاً ما نظام مالیاتی را یک نظامی می بینیم که برای دولت درآمد ایجاد می کند. در حالی که در واقع دولت در برنامه تحول نگفته بیایید نرخ را دو برابر کنید. دولت ها و کشورهای نفتی از این نقیصه برخوردار هستند به خاطر این که منابع مالی شان از نفت است و احتیاجی به درآمد مالیاتی ندارند. الآن متوجه هستیم که نمی شود با نفت ۱۳۰ دلار هم اقتصاد کشور را مدیریت کرد. اقتصاد قوانین خودش را دارد و اگر به این قوانین توجه نکنیم حتماً پول زیاد هم کاری نمی کند. فکر می کنم این یکی از شاخص ترین مطالبی است که در برنامه تحول است. اگر این بتواند فرهنگ شود آن وقت ما با همین اقتصادمان رشد سریعی پیدا می کنیم.

دولت می خواهد این نقیصه که تکیه زیادی به نفت است را رفع کند. دولت فکر می کرد که با پولی که در اختیار دارد می تواند تمام معضلات اقتصادی را رفع کند اما حالا معلوم شده مشکل اقتصادی فقط با پول نفت حل نمی شود، باید به درآمد مالیاتی به عنوان ابزار مدیریتی توجه جدی کرد.

مسلماً بحث مالیات از ابزارهایی است که کارایی خودش را در جای خودش دارد یعنی اصولاً یک ابزار میان مدت یا بلندمدتی است. پنج سال پیش که بخش مسکن را معاف کردند کسی فکر نمی کرد امروز چنین اتفاقی بیفتد. باید آن موقع توجه می کردند که این ابزار الآن جواب نمی دهد. ما الآن سالیان سال است که بخش کشاورزمان معاف بوده از مالیات. چقدر پیشرفت بخش کشاورزمان به خاطر این است. ما آمدیم تمام اجاره ها را معاف کردیم، چقدر اجاره بها کاهش پیدا کرد. درست عکس عمل کرد. چون نگاه، نگاه اقتصادی نبود. در اقتصاد قیمت را بازار تعیین می کند.

همه دولت ها که نفت ندارند، پس به این نتیجه رسیدند مالیات ارزش افزوده را اجرا کنند. یعنی حالا که تعرفه ها را کوچک کردند مالیات بر ارزش افزوده را جایگزین آن می کنیم تا اگر مصرف شد مالیاتش در جیب دولت رود، لذا دیدگاهی که در طرح تحول وجود دارد یک دیدگاه مترقی است.

اتفاقاً مدیریت کار را در اختیار دولت قرار می دهد و در نتیجه فکر می کنم که اگر ما این برنامه ها را بتوانیم خوب جلو ببریم مسلماً به نتیجه بسیار عالی می رسیم.

■ به نظر شما اگر ما بخواهیم تحول اقتصادی در امور مالیاتی را شروع کنیم از کجا باید شروع کنیم که اثرگذاری اش را داشته باشد؟

دکتر فلیحی: واقعیتش این است که بحث مالیات نسبت به سایر متغیرهای اقتصاد کلان از پیچیدگی بیشتری برخوردار است.

شاید پیچیدگی و ظرافت در مباحث مالیاتی را در سایر متغیرهای کلان اقتصادی نداشته باشیم. یک دلیلش این است که مثلاً مخارج دولت، چند تا ردیف وجود دارد و دستگاه ها یک ردیف های معینی برای تأمین بودجه خود دارند. بدین صورت بحث بودجه دولت بسته می شود.

ولی مالیات ها همانطور که آقای دکتر عرب مازار هم اشاره داشتند، یک سری اثرات بر سایر متغیرهای اقتصاد کلان دارد که بسیار بسیار حائز اهمیت است. همان طور که می دانید به هرحال مالیات ها روی رشد اقتصادی، روی سرمایه گذاری، روی عرضه نیروی کار مؤثر هستند. این بحث خود به خود پیچیدگی مالیات ها را بیشتر می کند.

نکته دوم این است که مالیات ها وقتی اخذ می شود روی رفتار تمامی بناگاه ها، افراد و خانوارها اثر می گذارد. بنابراین این پیچیدگی

بابد به هر حال بپذیریم که T به GDP در ایران پائین است، حالا استانداردش در کشوری با درآمد متوسط بین ۱۲ـ ۱۰ درصد هست و این نیازمند این است که اولاً روی معافیت های مالیاتی تجدیدنظر شود

مالیات ها باعث شده که اصلاح مالیاتی همیشه مدنظر دولتمردان باشد.

من می توانم ادعا کنم که این اصلاح مالیاتی چیز تازه ای نیست. همان طور که آقای دکتر عرب مازار هم اشاره داشتند موضوعی بوده که سالها مطرح بوده و این به خاطر ذات خود موضوع است. لذا ما دائماً تغییراتی را در بحث مالیات ها داریم.

■ فکر می کنم اتخاذ سیاست های پولی جواب آنی و کوتاه مدت می دهد و واکنش های آن سریع دیده می شود اما اتخاذ سیاست های مالی تبعات بلندمدت دارد. یعنی می توان در بلندمدت آثار آن را دید. لذا در تصمیمات مالی تصمیمات کمی باثبات تر است. شما فکر نمی کنید پیچیدگی سیاست های مالی به خاطر آثار بلندمدت آن است.

دکتر فلیحی: ببینید وقتی شما صحبت می کنید از یک نظام مالیاتی، انواع نرخ های مالیاتی را دارید بحث می کنید. انواع دستگاه های جمع آوری کننده مالیات ها را دارید بحث می کنید. از آن طرف مؤدیان مالیاتی را دارید. من وسعتش را می خواستم بیان کنم.

بنابراین، این که موضوع مالیات، یکی از هفت موضوع انتخاب شده است به نظر من، موضوع درستی است ولی این که از کجا ما شروع کنیم بستگی به این دارد که ما بخواهیم اصلاح نظام مالیاتی را از چه سطحی شروع کنیم. آیا می خواهیم یک اصلاح مالیاتی کامل داشته باشیم یا بسیار محدود. قطعاً اگر بخواهیم یک اصلاح مالیاتی جامع داشته باشیم به هر حال مالیات روی اغلب متغیرهای اقتصادی اثرگذار است. بنابراین هماهنگی بین این سیاست ها هنگام اصلاح مالیاتی بسیار حائز اهمیت است و دروافع اثراتی که می تواند روی تورم و رشد اقتصادی داشته باشد که بعداً من ویژگی یک اصلاح مالیاتی مناسب را حتماً توضیح خواهم داد، بنابراین این که ما از کجا بخواهیم این سیاست های مالیاتی را شروع کنیم بستگی به آن بسته ای دارد که مدنظر سیاستگذاران است.

آن چیزی که مهم است، این است که کلیه این مالیات ها، یک سری اثرات منفی براقتصاد خواهد داشت. بنابراین اگر دولت می خواهد درواقع آن منابع درآمدی از طریق مالیات ها را کسب کند باید به یاد داشته باشیم که اینها در سیستم های اقتصادی اختلال ایجاد می کند.

بنابراین باید با کمترین اثرات منفی مواجه شویم. به نظرم مالیات زیست محیطی از محدود مالیات هایی است که هیچگونه اثرات منفی ندارند و یا اثرات منفی شان بسیار پائین است. یعنی شما یک حجم مالیاتی معینی را که می خواهید بگیرید که کارایی مضاعف دارد. یعنی اگر دستگاه مالیاتی بتواند این مالیات ها را از طریق مالیات های زیست محیطی تأمین کنند به جای مالیات بر شرکت ها می تواند کارایی دوچندانی داشته باشد و نکته آخری، بحث مالیات بر واردات است.

به هرحال به نظر می رسد که ایران وارد جهانی شدن خواهد شد. آن موقع مالیات بر واردات یک مقدار می تواند شکننده باشد. زیرا شما باید عوارض کمتری بگیرید و همه این بحث ها می تواند ما را گرایش بدهد به سمت این که یک نگاه سیستمی به مقوله مالیات داشته باشیم. به ویژه به خاطر این پیچیدگی هایی که عرض کردم. یعنی این بحث هایی که در ارتباط با مالیات ها هست یا ایرادهایی که به ساختار مالیاتی گرفته می شود من بیشتر ناشی از پیچیدگی خود موضوع می بینم. به ویژه اقتصاد غیررسمی.

■ با توجه به این که فضای اقتصادی کشور، یک فضای شفافی نیست درواقع فعالیت های زیرزمینی و فعالیت هایی غیررسمی فراوان دیده می شود، به نظر شما مطرح کردن اصلاح نظام مالیاتی درست و صحیح است؟

دکتر عرب مازار: در ارتباط با سؤال شما می توانم این طور بیان کنم که اصلاً ما چیزی زیر زمین نداریم. همه چیز روی زمین است. ما توان نگاهش را نداریم. ما اصلاً فرار مالیاتی من باب این معنا وجود ندارد. خیلی از کسانی که مالیات نمی دهند اتفاقاً در سیستم فعالیتش ثبت است ولی مراجعه می کنید می بینید مبلغ ناچیزی مالیات می دهد چرا؟ چون نظام مالیاتی توان شناسایی بیشتر از آن را ندارد.

نظام مالیاتی باید توانمند باشد. دولت باید این نیت وقصد را داشته باشد که نظام مالیاتی را رشد دهد. نظام مالیاتی یک بخشی از دولت است اگر حمایتش نکنند نمی تواند کار خودش را انجام دهد. در تمام دنیا هم همین طور است.

یکی از کاربردهایی که در طرح ارزش افزوده است، شفاف کردن فرآیندهای واردات، تولید، توزیع و مصرف و صادرات است. شما وقتی این مسیر را شفاف کنید نشان می دهد که کی دارد چه کار می کند.

نکته این است که یک سری فعالیت ها در همین شهر انجام می شود

باید اقرار کرد که در ۵ـ۴ سال اخیر در کسب درآمد، نظام مالیاتی ما خیلی خیلی نسبت به قبل پیشرفت داشته است، ولی می شود ادعا کرد که ما در بحث هدایت اقتصادی نتوانستیم از ابزار مالیات استفاده کنیم

ما آن را نمی بینیم و باید کاری بکنیم تا آن برای همه هویدا شود.

در حقیقت این مباحث در دنیا حل شده است. همچنین در حال رصد شدن است. اگر در حساب من کلی پول رد و بدل شد فاصله زمانی طول نمی کشد که سراغ من می آیند و می گویند که آقا شما دارید چه معامله ای را در کشور انجام می دهید درآمدت کجاست؟ کارت کجاست، از کجا زندگی آن را می گذرانی؟ این نظام نظارتی فعال و مؤثر است که شما در اروپا می بینید و بدین خاطر است که به راحتی می آیند و مرزها را هم جمع می کنند. هر کی خواست بیاید- برود. ولی این رفت و آمد پنهان نیست. همه دارند نگاه می کنند. همین پول که ما داریم باید در شبکه بانکی بچرخد. تمام پول کشور هم که در کار اقتصاد در جریان است در همین شبکه بانکی ما دارد می چرخد و این بانک ها هم در اختیار دولت هستند. چیز پنهانی هم نیست. اما همه جای دنیا این رد و بدل کردن پول را کنترل می کنند اما در ایران چنین کاری انجام نمی شود. لذا شما نمی توانید ببینید که این پول از منابع سالم تأمین می شود یا از منابع غیرسالم. چون بر تهیه این پول نظارتی نیست. حال اگر شما قانون پولشویی را اجرا کنید، طرح جامع نظام مالیاتی را اجرا کنید، این اقتصاد را شفاف کرده اید. یعنی شفافیت اقتصاد بستگی به تصویب و اجرای قوانینی است که برای نظارت بر امور مالی و پولی کشور طراحی کرده اند.

■ به نظر شما باید چه ملاحظاتی در این طرح تحول در نظر بگیریم که این ابزارمندی که آقای دکتر عرب مازار هم گفتند توانایی اجرا داشته باشد و با قدرت اجرا شود؟

دکتر بخشی: ببینید هر نظام مالیاتی تابعی از اطلاعات موجود در کشور است. در واقع همان طور که آقای دکتر عرب مازار فرمودند نظام اطلاعاتی ما جامع نیست.

نظام مالیاتی یک تافته جدابافته ای از سایر نظامات کشور نیست. وقتی ما در کشورمان اصولاً مبانی اطلاعاتی را ضعیف تعریف کردیم و کار نکردیم طبیعتاً نظام مالیاتی هم یکی از این سیستم هاست. نمی خواهم برای خودش یک نظام اطلاعاتی جامع طراحی کند ولی خوشبختانه از سال ۸۰ به بعد با این رویکرد جدیدی که سازمان امور مالیاتی داشته و آن کاهش نرخ مالیات ها به ۲۵ درصد، ما مشاهده می کنیم که وصولی مالیاتی مان ۵۰ درصد جهش داشته. با توجه به اینکه نرخ مالیاتی را پائین آوردیم، لذا می بینیم که مشارکت بیشتر شده است.

به نظرم کد ملی یکی از پایه های اساسی است که نظام مالیاتی می تواند از آن استفاده کند. خوشبختانه با همین روالی که ما داشتیم کدملی تقریباً الآن فراگیر شده و دیگر از اول این ماه هم، بانک ها گفتند بدون کد ملی چیزی را ثبت نمی کنند و... همین کد ملی اگر ما کمی بیشتر به آن بها دهیم می تواند یکی از بیشترین خدمات را به نظام مالیاتی ما کند چون بالاخره هر کس یک کد ملی دارد، از اینجا حقوق می گیرد، اینجا منزل معامله می کند، در بانک این حساب را دارد و... به راحتی می شود این اطلاعات را دنبال کرد. این اطلاعات کم کم دارد به وجود می آید و در سازمان امور مالیاتی، دیدگاه های جدید در حال شکل گیری است و به نظرم می آید که خود طرح تحول هم یک انرژی مضاعفی را وارد می کند که نظام مالیاتی بتواند با کمک بیشتر دولت، یک اثر هم جانبه نگری بیشتر در حوزه سیاست های مالی داشته باشد.

تقریباً یکسری پایگاه هایی که سال های پیش نیاز بوده و نمی توانسته به هر دلیلی کارش را به درستی انجام دهد هم اکنون در حال فراهم شدن است و تقریباً دارد در اختیار نظام مالیاتی قرار می گیرد، ببینید چند سال پیش این بحث کد اقتصادی مطرح شد و به دلیل عدم هماهنگی ها از بین رفت. این دفعه سازمان مالیاتی دارد با هوشیاری بیشتری این کار را انجام می دهد، ترکیب این کد با کد ملی می تواند خیلی از راه های فرار مالیاتی را ببندد و این زمینه می تواند آینده مالیاتی ما را خیلی خیلی نسبت به گذشته موفق تر نشان دهد.

■ آقای دکتر می شود اینطور استنباط کرد که آغاز طرح تحول اقتصادی در حوزه مالیاتی از شناسایی فعالان اقتصادی و جمع آوری اطلاعات است؟

دکتر بخشی: البته این کار مقدار زیادش در طول سال های سال انجام شده ولی الآن با کامل شدن کد ملی و کد اقتصادی خیلی تکمیل تر می شود و این پایگاه ها کامل تر می شود و الآن هم دولت دارد کاری می کند که بین پایگاه های مختلفش رابطه معنادار داشته باشند.

اگر این پایگاه ها از هم اطلاعات بگیرند کلی مبانی اطلاعاتی نظام مالیاتی مان تقویت می شود.

■ الآن می توانیم مشاغل کل کشور را رصد کنیم؟

دکتر بخشی: اتفاقاً در وزارت بازرگانی این کار در حال شکل گیری است. الآن وزارت بازرگانی به اصناف ملت کارت می دهند برای شناسایی آنها و حتی یک میلیون و نهصد هزار تا از این مشاغل را شناسایی کردند. خب حالا اگر بین نظام مالیاتی مرکز اصناف یک ارتباط برقرار شود چقدر اطلاعات کامل تر می شود. ما یعنی نظام مالیاتی اگر از فعالان اقتصادی اطلاعات کامل داشته باشد دیگر مؤدی اش فرار نمی کند ولی اگر مطلع نباشد، مؤدی هم زیاد مایل نیست مالیاتش را پرداخت کند.

■ اگر قرار باشد تصمیم به اصلاح مالی بگیریم به نظر شما ویژگی یک اصلاح سیاست مالی چیست؟

دکتر فلیحی: یک مطالعاتی انجام شده و چارچوب هایی برای اصلاح در آن مطرح است. برای اصلاح مالیاتی در قرن ۲۱، به نظر می رسد این ویژگی ها باید لحاظ شود. باید سادگی داشته باشد. خیلی پیچیده نباشد. هم بنگاه ها، هم افراد به سادگی بتوانند این موارد را درک و ارتباط برقرار کنند و اینکه عادلانه باشد. البته این به معنای آن نیست که مالیات ها به یک نسبت دریافت شود بلکه هر کسی باید به اندازه فعالیتش مالیات پرداخت کند. هم می تواند اصاعدی باشد یا تناسبی. سوم اینکه با رشد اقتصادی در تعارض نباشد. شفافیت ویژگی دیگری است. یکی دیگر از موارد این است که کمترین هزینه را داشته باشد؛ کمترین هزینه هم برای دولت و هم برای پرداخت کننده مالیاتی.

نکته بعدی اینکه اطمینان در آن رعایت شده باشد. یعنی مالیات دهنده اطمینان حاصل کند که پرداختی او در مکان مناسبی هزینه می شود.

خب اینها یکسری ویژگی هایی است که سیاست های مالی باید از آن برخوردار باشد لذا هم باید کار فرهنگی صورت گیرد و هم نگاهی بلندمدت داشته باشد. منتها در ارتباط با اینکه این ساختار مالیاتی و این نظام مالیاتی آیا پاسخگو هست یا نیست، واقعیت این است که باید با تردید به نظام مالیاتی کنونی نگاه کرد.

ما تلاش زیادی در امور مالیاتی کردیم اما اگر نسبت مالیات به درآمد ملی را نگاه کنیم و اگر مالیات بر واردات را خارج کنیم چیزی حدود ۴ درصد بیشتر نیست و با احتساب واردات حدود ۷ درصد درآمد ملی ما را تشکیل می دهد. اینکه چگونه ما می توانیم این نسبت مالیاتی را افزایش دهیم، من اعتقاد دارم این کاری که الآن در حال انجام است یعنی بانک اطلاعاتی، یکی از مهمترین اقداماتی است که باید زودتر از اینها انجام می شد. اما با این حال پایه تحول از همین جا شروع می شود یعنی شناسایی افراد و فعالان اقتصادی که هم کمک می کند به عدالانه بودن مالیات هایی که گرفته می شود، هم اینکه می تواند پایه مالیاتی را گسترش دهد. منتها افزایش پایه مالیاتی صرفاً این نیست که در همین زمینه های فعلی گسترش یابد. به نظر می رسد که وزارت اقتصاد باید جنبه های جدید دریافت مالیاتی را مثل مالیات های انرژی و... وارد مباحث مالیاتی کند. در کشورهای مختلف بین ۸ تا ۱۲ درصد مالیات هایشان حتی تا ۱۶ درصد از طریق مالیات بر انرژی تأمین می کنند. بنابراین، این افزایش پایه های مالیاتی می تواند بسیار بسیار مهم باشد. فکر می کنم که پایه های مالیاتی هنوز جای کار دارد.

یعنی ما باید روی جاهای جدید که تا کنون شناسایی نشدند حتماً انرژی ویژه بگذاریم و آنها را شناسایی کنیم. البته بحث کمی فراتر از اینهاست. شاید بحث های فنی نیاز داشته باشد، شاید نیاز به مطالعات باشد تا این پایه های جدید شناسایی شود و بتوانیم از آنها مالیات بگیریم و تبعاتش این مالیات هایی که هم کنون دریافت می کنیم را کاهش دهیم. چون به هر حال این مالیات کنونی یکسری اثرات منفی دارند چون ما، مالیات را از بخش خصوصی می گیریم که بسیار کارا هست و اگر اتفاقاً براساس اصل ۴۴ قانون اساسی بخواهیم بخش خصوصی گسترش یابد باید تا حد امکان، درصد قابل توجهی این مالیات ها را از دوش آنها بردارایم. به نظر می رسد که می توانیم در جاهای جدیدی منابعی را شناسایی کنیم که فشار مالیاتی بر طبقه ای تولیدی کاهش یابد یعنی اثرات منفی آن را بتوانیم کاهش دهیم تا سازگاری داشته باشد با رشد اقتصادی.

■ آقای عرب مازار اگر به قوانینی که وضع شده در مجلس توجه کنیم به نظر شما ایستگاه آخر این فرم اصلاحات کجاست؟

دکتر عرب مازار: در ارتباط با بحث بازنگری قانون یکی از محورهای برنامه ای در طرح تحول توجه به اصلاحات قانونی است. بازنگری قانون به چند جهت باید انجام گیرد. بعضی جاها قانون دست ما را بسته است چون می دانید که تمام مسائل مالیات از لحاظ وصول، اجرا، اداره، نوع ابلاغ و ... در قانون نوشته شده است. نکته دوم این است که برنامه تحول یک نتایج اقتصادی جدید خواهد داشت که براساس آن قانون مالیات های جدیدی لازم است. چون هنوز بحث کاملاً شفاف نشده است تا بگویم چه اتفاق خواهد افتاد. حدوداً می گویم که اگر تحول اجرا شود، کجا نظام مالیاتی باید اصلاح شود.

نکته دیگر در ارتباط با پایه های مالیاتی است. به طور عمومی اگر بخواهیم صحبت کنیم، توجه داشته باشید که به هر حال دولت ها برای تأمین هزینه هایشان به درآمد نیاز دارند. فرض کنید درآمد نفت نیست یا همان برنامه ای که ما در سند چشم انداز داریم و در برنامه چهارم پیش بینی شده بود. دولت باید برای هزینه های جاری اش از محل درآمدهای غیرنفتی استفاده کند. این دولت باید چه کار کند؟ این یک سکه ای است که دو رو دارد. روی اولش این است که اصلاً دولت چرا این قدر هزینه دارد. اما از سوی دیگر معافیت مالیات هایمان خیلی گستردگی دارد. اتفاقاً این بحث هایی که می گویند ما از اشخاص حقوقی مالیات زیاد می گیریم درست نیست ما از تولید مالیات نمی گیریم بسیاری از این اشخاص حقوقی، اشخاص بخش بازرگانی هستند که دارند مالیات می دهند. بالاترین معافیت ها و اصلاً تمام معافیت ها در قانون مالیات ها به بخش تولید داده شده.

ماده ۱۳۲ و ماده ۱۳۸، کجای قانون مالیات ها گفته که شما به بازرگان معافیت بدهید اما در جای جای قانون گفته است که برای حمایت از تولید از مالیات معاف کنید.

دکتر فلیحی: من یک نکته ای را در مورد معافیت مالیات بگویم. به هر حال مطالعاتی که انجام شده روی عوامل تأثیرگذار بر سرمایه گذاری و تولید نشان می دهد که مالیات ها در این ۷ـ۶ عامل در رتبه ۶ـ۵ قرار دارد یعنی کمترین تأثیر را در موانع سرمایه گذاری دارد. این نشان می دهد که یک سرمایه گذار که می خواهد تسهیلات بگیرد کمترین توجه را به مقوله مالیات داشته است. مثلاً به قانون کار توجه می کردند، به بیمه توجه می کردند. مشکلاتی که در گرفتن وام از سیستم بانکی بود اینها را در اولویت خود داشت اما قانون مالیات ها برایش دغدغه نبود چون می دانست می تواند معافیت بگیرد. من فکر می کنم معافیت مالیات باید یک بازنگری جدی شود. خیلی وسیع است و باید آنجایی معافیت مالیاتی داشته باشد که اثر ش را روی سرمایه گذاری بگذارد وگرنه اگر در جایی که مطمئن نیستیم به زیان دولت است که معافیت برقرار کنیم حتی مثلاً معافیت مالیاتی در بخش کشاورزی، ما، خیلی از واحدهای کشاورزی سودهای بسیار بالایی می برند خوب این لازم است که مالیات بدهد.

نکته بعدی این است که باید به هر حال بپذیریم که T به GDP در ایران پائین است. حالا استانداردش در کشوری با درآمد متوسط بین ۱۲ـ ۱۰ درصد هست و این نیازمند این است که اولاً روی معافیت های مالیاتی تجدیدنظر شود. روی بخش کشاورزی یک بررسی مجدد شود. این قدر کلیت نداشته باشد دوم این که شناسایی پایه های مالیاتی جدید انجام شود. به نظر می رسد که T به GDP می تواند بالا رود. ضمن این که این بانک اطلاعاتی که آقای دکتر توضیح دادند می تواند خیلی از مشکلات را شناسایی و حل کند. به نظرم اصلاح قانون مالیاتی نیز بسیار مهم است چون واقعاً به تجدیدنظر جدید احتیاج دارد. البته این موضوع زمان بر است.